

پرتو بسیار نور

حرف های معاونت سینمایی درباره حرف های «ناجور» فرهادی

چاپ شده در : روزنامه شرق

زمان انتشار : مهر ماه ۱۳۸۹

این یادداشت به محض شروع جنجال های مربوط به توقیف فیلم "جدایی نادر از سیمین" در طول فیلمبرداری و پیش از ساخته شدن (!) بابت حرف های اصغر فرهادی در مراسم خانه سینما (که بازگشت و تداوم فعالیت چند فیلمساز قدیمی مانند امیر نادری و محسن مخملباف را آرزو کرده بود) نوشته و با اندکی کوتاه شدن، چاپ شد.

*

*

«ما بطور کلی به سمتی می‌رویم که روش‌هایمان کاملاً آشکار و شفاف باشد و سعی می‌کنیم پنهان کاری نداشته باشیم. یعنی ملت بدانند که دلیل تشویق یک فیلم‌ساز و دلیل منعی که برای یک فیلم‌ساز ایجاد می‌شود، چیست». از میان مجموع آن چه از قول معاون امور سینمایی وزارت ارشاد در خبرگزاری های داخلی نقل شد، با تمام عجله قابل درکی که او در همان نیویورک برای اعلام نظراتش درباره لغو مجوز ساخت و توقف فیلمبرداری مهم ترین تولید سال سینمای ایران یعنی فیلم تازه اصغر فرهادی داشت، این دو سه جمله که در ابتدا آوردم، بیش از همه به نظرم منحصر به فرد می‌رسد. شاید انتخاب دوستان بسیار دیگری به عنوان آن چه بیشتر به حیرت شان انجامیده، دو صفت «غیرجالب» و «ناجور» بوده باشد که شمقدری در وصف حرف های فرهادی در جشن خانه سینما به کار برد. اما به گمان من، در شرایطی که اطلاق چنین صفاتی به حرف های اندکی دور از پسند رسمی، در جلسات و تماس های خصوصی میان مسئولان و هنرمندان همواره رایج بوده، نکته اصلی نه خود این صفات، بلکه اصرار بر اعلام آن دو سه جمله خیرخواهانه و آرام و بدون هیچ گونه لحن معترض و پرخاشگر – که اصلاً در طبع فرهادی نیست – به عنوان دلیل توقف فیلمش است. آن چه شمقدری «صراحت» اش می‌خواند، می‌تواند در چنین نامعادله ای با واژگانی دیگر جایگزین شود. و آن چه در تعبیر مستقیم او به تماس هشدارآمیز با فیلمساز شباهت

دارد یعنی این که می گوید به ایشان یک هفته فرصت داده شد تا حرف هایش را «اصلاح» کند و چون نکرد، فیلمش متوقف شد، خود برای فهمیده شدن نیازمند شارحان و تأویل گران در نظر می آید. می توان پرسید که اساساً در این تعبیر، «اصلاح» حرف ها به چه معناست؟ فرهادی که آرزو کرده بود چند فیلمساز قدیمی تر بتوانند در سینمای ایران، آرام و بی جدل، فیلم بسازند، چگونه می توانست حرفش را اصلاح کند؟ باید می گفت آرزو ندارد آنها دیگر فیلم بسازند؟ یا می گفت آرزو دارد که آنها دیگر اصلاً فیلم نسازند؟ یا احیاناً آرزوی مرگ شان را می کرد تا از ضرب مهر «اصلاح ناپذیر» به در می آمد و می توانست برای فیلمی که با طی مراحل قانونی و بدون هیچ گونه شیطنت سیاسی و غیره شروع کرده بود، دوباره مجوز بگیرد؟

در دوران دبیرستان یک دبیر ادبیات فارسی داشتم که به ما یاد داد برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی، میان دو کلمه متوالی یک «بسیار» قرار دهیم. اگر نتیجه بامعنا بود، ترکیب وصفی است (مانند «پسر خوب») و اگر نه، ترکیب اضافی است (مانند «آسمان هفتم»). بعد خودش به عنوان سؤال و مثال، ترکیب «پرتو نور» را مطرح کرد. طبعاً دست بلند کردم و گفتم ترکیب، اضافی است. اما گفت که خیر، وصفی است. گفتم آخر «پرتو بسیار نور» که معنی نمی دهد. گفت چرا، «کاملاً معنای خودش را افاده می کند: یعنی پرتوی که بسیار، نور دارد!» من بحث کردم و او اخراجم کرد! حالا و با رویارویی با تأکیدی که معاون سینمایی بر اهمیت شفافیت دارد اما در عین حال خودش و اداره نظارت زیرنظرش امکان شفافیت را از هر سینماگری سلب می کند، مدام یاد همان دبیرم می افتم که آن چه خودش یاد می داد را به شکلی نادرست به کار می گرفت. خب، حالا که فکر می کنم، البته که «پرتو بسیارنور» معنی می دهد.